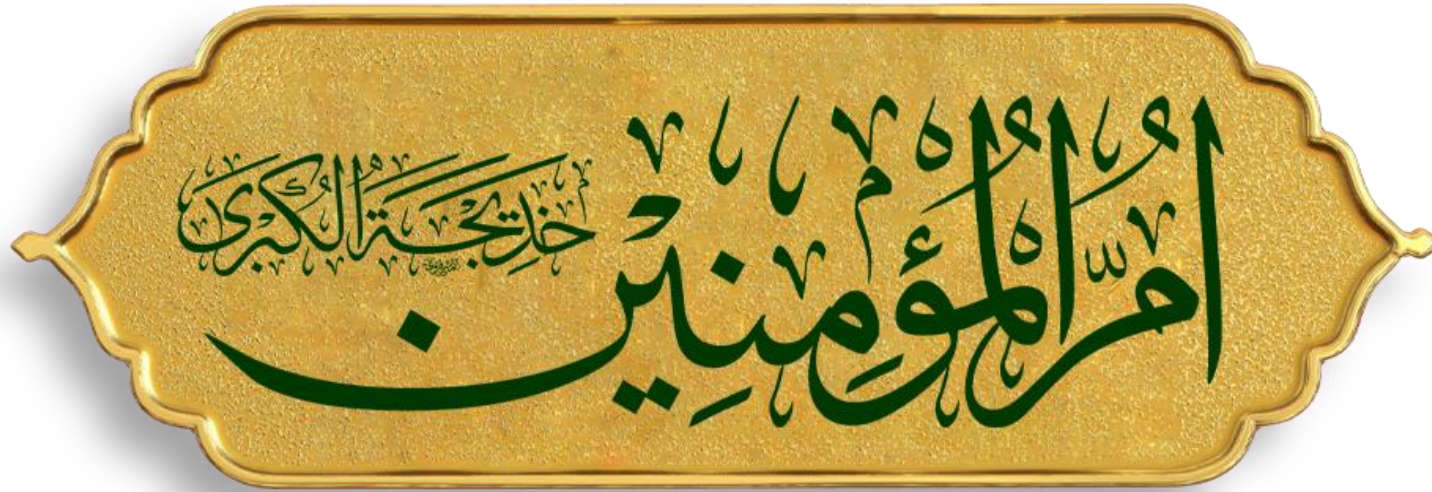
أم المؤمنين

خديجة الكبرى

سُورَةُ الأَحْزَابِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

ٱلنَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِٱلْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ ۖ وَأَزْوَٰجُهُۥٓ أُمَّهَٰتُهُمْ ۗ ٦



«أم المؤمنين» حضرت خديجه کبری (سلام الله علیها)

مدخل

«أمّ» در لغت به معناي مرجع، أس و أساس، اصل و جوهره يک شيء مي باشد[1]. حضرت خديجه کبري (سلام الله عليها) در جوامع حديثي به **«أمّ المؤمنين»** توصيف شده اند. و اطلاق اين لقب بر آن حضرت (سلام الله عليها)، مبتني بر مقدمات حکمت بلاقيد بوده، بلکه قراين موجود در أدله که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد، مُثبِت اطلاق مي باشد. لذا مصداق اتم و اکمل کلّي معناي أم المؤمنين به صورت انحصاري براي آن حضرت ثابت مي باشد.



[1]. قاموس قرآن، ج۱، ص ۱۱۳
التحقيق في کلمات القرآن الکريم، ج۱، ص ۱۳۵

دليل اول

استفاده از صيغه جمع و اراده معناي مفرد در آيات حضرت قرآن در مقام «أم المؤمنين» بودن حضرت خديجه كبري (سلام الله عليها) مانند آنچه در آيات مباهله، ولايت و بسياري ديگر بكار رفته، علاوه بر اينكه دلالت بر تعظيم و توقير جايگاه آن حضرت دارد، دال بر مصداق اتم و اكمل كلّي معناي أم المؤمنين به صورت انحصاري براي آن حضرت نيز مي باشد.



استفاده از صیغه جمع و اراده معنای مفرد در آیات حضرت قرآن در مقام «أم المؤمنین» بودن حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها)

عبارت آیه ۶ سوره مبارکه أحزاب «أَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ» در شأن حضرت خدیجه کبري (سلام الله علیها) نازل شده است. چنانچه ذیل آن، عنوان «پدر امت» به رسول الله (صلي الله علیه و آله و سلم) و عنوان «مادر امت» به حضرت خدیجه کبري (سلام الله علیها)» اختصاص داده شده است.[۲] نیز در جاي دیگر «أزواج» در هیئت جمع نیز به آن حضرت (علیها السلام) نسبت داده شده؛ «أن أزواجنا خديجة».[۳]

۲. «فَعَقُّوا رَسُولَ اللَّهِ فِي ذُرِّيَّتِهِ وَ عَقُّوا أُمَّهُمْ خَدِيجَةَ فِي ذُرِّيَّتِهَا».
مناقب آل أبي طالب علیهم السلام (لابن شهرآشوب)، ج۴، ص ۲۵۲

۳. تفسیر القمي، ج۲، ص۱۱۷

مشابه آن، در فرازي از خطبه مفاخره از حضرت زهرا (سلام الله عليها) مرويست كه فرمودند: «أَنَا بِنْتُ الصَّالِحَاتِ وَالْمُؤْمِنَاتِ»[۴]. در اينجا نيز استعمال جمع و اراده معناي مفرد واقع شده است. به بيان ديگر آن حضرت نفرمودند من دختر مؤمنه صالحه مي باشم، بلكه فرمودند من دختر مؤمنات صالحات مي باشم. چرا كه تمام فضائل و شئون بانوان اهل بهشت همچون مريم بنت عمران و آسيه و حوّاء در وجود مقدس حضرت خديجه كبري (سلام الله عليها) اجتماع يافته و لذا ايشان بر تمام آنان، سرور و اُمّ مي باشند.

نيز در فرازي از زيارت حضرت رسول الله (صلي الله عليه و آله) اين چنين بيان مي شود؛ «السَّلَامُ عَلَى أَزْوَاجِكَ الطَّاهِرَاتِ الْخَيْرَاتِ أُمَّهَاتِ الْمُؤْمِنِينَ؛ خُصُوصاً الصِّدِّيقَةَ الطَّاهِرَةَ الزَّكِيَّةَ الرَّاضِيَةَ الْمَرْضِيَّةَ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى أُمَّ الْمُؤْمِنِين»؛ سلام و درود خداوند بر همسران طاهرت كه أمّ المؤمنين بودند؛ مخصوصاً حضرت خديجه كبري (سلام الله عليها) كه صديقة، طاهره، زكية، راضية، مرضية و أمّ المؤمنين است.
بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۱۸۹

[۴]. الفضائل (لابن شاذان القمي)، ص ۸۰

چنين استعمالي كه در لسان حضرت قرآن شايع مي باشد (مانند آيه مباهله، آيه ولايت و بسياري ديگر) علاوه بر اينكه دلالت بر تعظيم و توقير جايگاه فرد دارد، دال بر مصداق اتم و اكمل كلّي معنا به صورت انحصاري براي آن فرد نيز مي باشد. بنابراين مصداق انحصاري و اتم و اكمل «أم المومنين»، وجود مبارك حضرت خديجه كبري (سلام الله عليها) مي باشند.

دليل دوم

فضايل و خصائص بيشمار حضرت خديجه كبري (سلام الله عليها) در نصوص كه مؤيدِ مقامِ انحصاريِ ام المؤمنيني آن حضرت مي باشند.

فضايل و خصائص

حضرت خديجه كبري (عليها السلام) در نصوص به صفات متكثري توصيف شدند كه به أهم آنها در اينجا اشاره شده است. هر يك از اين صفات قرينه اي بر اثبات انحصارِ اين صفت براي آن حضرت مي باشد.

«اُمَّ الْأَئِمَّهِ الطَّاهِرينَ، اُمَّ الْمُؤْمِنِينَ و اُمَّ الْمُؤْمِناتِ»[۵]: در فرازهاي زيارت مخصوص آن حضرت (عليها السلام) به تعدادي از القاب ايشان و از جمله لقب «أمّ الأئمة الطاهرين و أمّ المؤمنين و المؤمنات» تصريح شده است.

«خير أمّهات المؤمنين و المؤمنات»[٦]: رسول خدا (صلي الله عليه و آله و سلم) در وصف همسرشان فرمودند: «يا خديجة أنت خير أمّهات المؤمنين و افضلهن»؛ اي خديجه! همانا تو بهترين مادران مؤمنان و بافضيلت ترين آنان هستي.

۵. فرازهايي از زيارت حضرت خديجه كبري (سلام الله عليها)

۶. الانوار الساطعه من الغراء الطاهره، ص ۷؛ و با اندكي تغيير در: الخصال (للصدوق)، ج ۲، ص ۴۱۸

«سرچشمه اهل بيت عصمت و طهارت (عليهم السلام)»[7]: حضرت خديجه (سلام الله عليها)، سرچشمه اهل بيت پيامبر (صلي الله عليه و آله و سلم) مي باشند. چنانچه در تفسير آيه شريفة «إِنّما يُريدُ اللهُ لِيُذهِبَ عَنكُمُ الرِّجسَ اَهلَ البَيتِ وَ يُطَهِّرَكُم تَطهيراً» از رسول خدا (صلي الله عليه و آله و سلم) رسيده كه فرمودند:

بارخدايا! اينها اهل بيت من هستند، و همه اينها از خديجه (عليها السلام) نشأت گرفته اند؛ زيرا حسن و حسين، فرزندان فاطمه و فاطمه دختر خديجه است و علي نيز در كودكي در خانه خديجه تربيت شده و در بزرگي، داماد او شده است؛ «قَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ لَمَّا نَزَلَتْ دعَا النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وسَلَّمَ) فَاطِمَةَ وَعَلِيًّا وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ فَجَلَّلَهُمْ بِكِسَاءٍ فَقَالَ: اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي ... وَمَرْجِعُ أَهْلِ الْبَيْتِ هَؤُلَاءِ إِلَى خَدِيجَةَ لِأَنَّ الْحَسَنَيْنِ مِنْ فَاطِمَةَ وَفَاطِمَةُ بِنْتُهَا وَعَلِيٌّ نَشَأَ فِي بَيْتِ خَدِيجَةَ وَهُوَ صَغِيرٌ ثُمَّ تَزَوَّجَ بِنْتَهَا بَعْدَهَا فَظَهَرَ رُجُوعُ أَهْلِ الْبَيْتِ النَّبَوِيِّ إِلَى خَدِيجَةَ دُونَ غَيْرِهَا».

«وعاء امامت»[8]: وجود مبارك حضرت خديجه (سلام الله عليها)، ظرف و جايگاه انوار امامت بوده اند. چنانچه از رسول خدا (صلي الله عليه و آله و سلم) روايت شده كه خطاب به حضرت زهرا (عليها السلام) فرمودند: «إِنَّ بَطْنَ أُمِّكِ كَانَ لِلْإِمَامَةِ وِعَاءً».

[7] . فتح الباري شرح صحيح البخاري، ابن حجر عسقلاني، ج ۷، ص ۱۳۸؛ سبل الهدى و الرشاد في سيرة خير العباد، ج ۱۱، ص ۱۶۰

[8] . بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۴۲

«سیِّدة نساء العالمین» و «سیِّدة نساء قریش»[9]: وجود مقدس امام صادق (علیه السلام) در کلامي ضمن تعظیم و توقیر جدّه مکرمه شان حضرت خدیجه کبري (علیها السلام) چنین فرمودند: «وَ هِيَ سَیِّدَةُ نِسَاءِ قُرَیْشٍ، وَ قَدْ خَطَبَهَا کُلُّ صِنْدِیدٍ وَ رَئِیسٍ قَدْ أَبَتْهُمْ، فَزَوَّجَتْهُ نَفْسَهَا لِلَّذِي بَلَغَهَا مِنْ خَبَرِ بحیراء»؛ او همان بانویي است که سالار بانوان قریش است. او به خواستگاري زمامداران و امیران روزگار خویش پاسخ منفي داد. پس همانا خود را به همسري پیامبر اکرم (صلي الله علیه و آله) درآورد، همان کسي که (کتب أنبیاء گذشته او را وصف نموده بود) و حضرت خدیجه (سلام الله علیها) اوصاف او را از طریق بحیراء شنیده بود.

«أفضل از زنان امت»[10]: رسول خدا (صلي الله علیه و آله و سلم) در حدیثي حضرت خدیجه کبري (علیها السالم) را أفضل زنان امت توصیف نمودند؛ «فضّلت خدیجة علی نساء أمّتي کما فضّلت مریم علی نساء العالمین [عن أبي جعفر (علیه‌السلام):أي عالمي زمانك]».

[9] . قرب الإسناد، ص ۳۲۵

[10] . سوره آل عمران، آیه ۴۲؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص۳۳۶

«أفضل زنان بهشت[11]»: در حديث ديگري ايشان از افضل زنان بهشتي توصيف شده اند؛ «أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ آسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ»؛ حضرت فاطمه (عليها السلام) و حضرت خديجه (سلام الله عليها) و مريم و آسيه با فضيلت ترين زنان اهل بهشت هستند.

«أَشرف زوجات الرسول»[12]: امام صادق (عليه السّلام) درباره جدّه مكرمه شان فرمودند: «تزَوَّجَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)... فَأَوَّلُهُنَّ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ... أَفْضَلُهُنَّ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ».

«سيِّدة حرم» و «مليكة بطحاء»[13]: «سيِّدة حرم» و «مليكة بطحاء» از ديگر القاب آن حضرت است كه دلالت بر متمايز بودن ساحت مقدس آن حضرت دارد.

[11] . الخصال، ج۱، ص ۲۰۵

إعلام الورى بأعلام الهدى، ص ۱۵۰

[12] . الخصال (للصدوق)، ج ۲، ص ۴۱۹

[13] . فرازهايي از زيارت حضرت ام المومنين خديجه كبري (سلام الله عليها)

«أول المؤمنات»[14]: حضرت أباعبدالله الحسين (عليه السّلام) در روز عاشورا براي معرفي خود خطاب به دشمنان، به جدّه مكرمه شان مفاخره نموده و فرمودند: «قَالَ أَنْشُدُكُمُ اللَّهَ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ جَدَّتِي خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ أَوَّلُ نِسَاءِ هَذِهِ الْأُمَّةِ إِسْلَاماً قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَم»؛ شما را به خدا قسم مي دهم آيا مي دانيد جده من خديجه كبري دختر خويلد (سلام الله عليها) است كه اولين زن بود از اين امت كه ايمان آورد؟! آن گروه دشمن، همگي گفتند: بلي.

نيز در كلامي ديگر آمده است: « أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِرَسُولِ اللَّه (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله) مِنَ الرِّجَالِ عَلِيٌّ، وَ مِنَ النِّسَاءِ خَدِيجَةُ»؛ اول نفري كه به حضرت رسول الله (صلي الله عليه و آله) ايمان آورد از ميان مردان حضرت امير المومنين (عليه السلام) و از ميان زنان حضرت خديجه (سلام الله عليها) بود.

«امرأة كاملة ميمونة فاضلة تخشى العار و تحذر الشنار»[15]: به راستي حضرت خديجه (سلام الله عليها) بانويي كامل و مبارك و صاحب فضل است. او از هرگونه عيب و عار پرهيز مي كند و از هر نوع بدنامي و رسوايي دوري مي گزينند.

[14] . بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۱۸؛ الأمالي (للطوسي)، ص ۲۵۹، حديث ۴۶۷

[15] . بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۵۶

«الكريمة الموصوفة بالسخاء و العفة ... المعروفة المذكور فضلها الشامخ»[16]

«أحسَن النِّساء جَمالاً وَ أكملهُنَّ عَقلاً و أتمهُنَّ رَأياً وَ أكثرهُنَّ عِفَّةً وَ ديناً وَ مُروَّةً وَ مالاً»[17]

«صفية»[18]: ذيل آيه ۳۳ سوره مباركه آل عمران «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفى‏ آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إِبْراهيمَ وَ آلَ عِمْرانَ عَلَى الْعالَمين» از رسول خدا (صلي الله عليه و اله و سلم) روايت شد كه فرمودند: «أ وَ مَا عَلِمْتَ أَنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إِبْراهِيمَ وَ آلَ عِمْرانَ وَ عَلِيّاً وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ حَمْزَةَ وَ جَعْفَرَ وَ فَاطِمَةَ وَ خَدِيجَةَ عَلَى الْعالَمِينَ»؛ آيا نمي داني كه خداوند در رديف انبياء و آل ايشان، شيعيان به ولايت، همچون حمزه و جعفر و خديجه (سلام الله عليهم) را بر عالمين برگزيده است. لذا از القاب ايشان «صفية» مي باشد.

«الأحياء»[19]: ذيل سوره مباركه فاطر، آيه شريفه ۲۱ «وَ ما يَسْتَوِي الْأَحْياءُ وَ لاَ الْأَمْواتُ» آمده است: «فالأحياء ... خديجة».

[16] . همان، ج ۱۶، ص ۶۹

[17] . الموسوعة الكبري عن فاطمة الزهراء (سلام اللّه عليها)، ج ۲۱، ص ۳۷۱

[18] . تفسير فرات الكوفي، ص ۸۰

[19] . البرهان في تفسير القرآن، ج ۳، ص ۳۶۱

«سور»[20]: ذيل سوره مباركه اعراف، آيه شريفه ۴۶ «وَ بَيْنَهُما حِجابٌ وَ عَلَى الْأَعْرافِ رِجالٌ يَعْرِفُونَ كُلاًّ بِسيماهُمْ ...» آمده است: «سُورٌ بَيْنَ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ قَائِمٌ عَلَيْهِ مُحَمَّدٌ وَ عَلِيٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ فَاطِمَةُ وَ خَدِيجَةُ»؛ آن دژ بلندي كه ميان بهشت و دوزخ قرار دارد، قائم است بر حضرت محمد، علي، حسن، حسين، فاطمه و خديجه (صلوات الله عليهم اجمعين).

«ولود»[21]: پيامبر اكرم (صلي الله عليه و اله و سلم) در تمجيد حضرت خديجه (سلام الله عليها) مي فرمودند: «صَدَّقَتْنِي إِذْ كَذَّبْتُمْ وَ آمَنَتْ بِي إِذْ كَفَرْتُمْ وَ وَلَدَتْ لِي إِذْ عَقَمْتُمْ»؛ خديجه (سلام الله عليها) مرا تصديق كرد زماني كه شما مرا تكذيب كرديد، به من ايمان آورد آن هنگام كه شما كافر بوديد و براي من فرزنداني آورد در حالي كه شما داراي اين ويژگي نبوديد و نازا بوديد.

[20] . البرهان في تفسير القرآن، ج ۲، ص ۵۴۹

[21] . كشف الغمة في معرفة الائمة، ج ۱، ص ۵۰۸؛ الخصال، ج ۲، ص ۴۰۵

خصائص آن حضرت (عليها السلام) در كتب آسماني نيز آمده؛ از آن جمله است:

«آب؛ سرچشمه حيات»[22]: خداوند در كتاب هاي آسماني پيشين حضرت خديجه (عليها السّلام) را به نهر آبي تشبيه نموده است كه آب آن، آب حيات است و بر دو كرانه آن، درختان حيا سر كشيده اند و داراي دوازده نوع ميوه اند و برگ هاي آن درختان، موجب شفاي امت هاست. در اين نصّ حضرت خديجه (عليها السلام) به سه شيء تشبيه شدند:

۱. آب حيات: يعني همانگونه كه آب مايه حيات همه موجودات است، اسلام هم بموجب ايثار، انفاق، گذشت و فداكاري هاي حضرت أم المومنين (سلام الله عليها) حيات پيدا كرد كه پيامبر اكرم (صلي الله عليه و آله و سلم) حق مطلب را در اين مورد ادا نموده و فرمودند: «ما قام ولا استقام الدين الا بسيف علي و مال خديجه».

۲. درختي كه دوازده نوع ميوه دارد: همانگونه كه پيامبر اكرم (صلي الله عليه و آله و سلم) خود را بسان درختي معرفي كرده و فرمودند: «أنا شجره و فاطمه أصلها و عليّ لقاحها و الحسن والحسين ثمرها»؛ «من درختم و فاطمه (عليها السلام) اصل و ريشه آن و علي عليهِ السَّلام عامل باروري آن و حسن و حسين (عليهما السلام) ميوه هاي آن مي باشند». حضرت خديجه (سلام الله عليها) نيز اين چنين بوده است و با پيوند ازدواجي كه بين آن حضرت و رسول خدا (صلي الله عليه و آله

[22] . كتاب مقدس، عهد جديد، مكاشفه يوحنّا، باب ۲۲، آيه ۲ به نقل از: الأنوار الساطعه من الغّراء الطاهره، ص۱۶۴؛ شجره طوبي، محمدمهدي ج ۲، ص ۲۳۳

و سلم) صورت گرفت، ثمره آن امامان معصومي كه تعداد آنها دوازده نفر مي باشد، شد. يعني آن حضرت علاوه بر اينكه «ام المؤمنين» بودند، «ام الأئمه المعصومين» نيز بوده اند. و حضرت اميرالمؤمنين علي (عليه السلام) كه اولين امام از اين دوازده نفر است، حضرت خديجه (عليها السلام) مادر خويش را مي دانستند، زيرا كه عمري در خانه آن حضرت زندگي كردند و تحت حمايت و تربيت ايشان قرار گرفتند. يازده امام ديگر هم مولود اين شجره طيبه هستند كه خداوند در قرآن اهل بيت عصمت و طهارت (عليهم السلام) را تشبيه به شجره طيّبه كرده است و مي فرمايد: «الم تر كيف ضرب الله مثلا كلمه طيبه كشجره طيبه، أصلها ثابت و فرعها في السماء تؤتي اكلها كل حين باذن ربها». و پيامبر اكرم (صلي الله عليه و آله و سلم) و حضرت خديجه (عليها السلام) مثل أعلي و حقيقي اين شجره طيبه مي باشند.

۳. برگ هاي درخت موجب شفاي امّتهاست: مراد از برگها در اينجا، فرزندان و ذراري حضرت خديجه (عليها السلام) هستند كه در طول تاريخ منشأ خيرات و بركات بوده و با ارشاد و رهنمودهاي خود موجب شفاي امتها شدند، و مردم را از وادي ضلالت و گمراهي به شاهراه هدايت، رهبري نمودند.

«مبارکه»[۲۳]: در انجيل درباره صفات پيامبر آخر الزمان (صلي الله عليه و آله) اين چنين بيان شده است که « ... نَکّاحُ النِّسَاءِ ذُو النَّسْلِ الْقَلِيلِ إِنَّمَا نَسْلُهُ مِنْ مُبَارَكَةٍ لَهَا بَيْتٌ فِي الْجَنَّةِ لَا صَخَبَ فِيهِ وَ لَا نصب ... »؛ پيامبر آخر الزمان (صلي الله عليه و آله وسلم) همسراني خواهد داشت و تعداد فرزندان او کم مي باشد. اما در عين حال؛ قطعاً نسل او از مبارکه اي است که در بهشت خانه اي يکپارچه بدون شکستگي دارد ... .

«منشأ خير کثير»[۲۴]: آن حضرت (سلام الله عليها) همچنين به منشأ خير کثير توصيف شده اند.

تدبّر در هر يک از اين القاب و اوصاف که در اينجا به أهم آنها اکتفا شد، بيانگر مقام ممتاز أمّيّت آن حضرت براي ائمه اطهار (عليهم السلام) و مومنين و مومنات مي باشد.

۲۳ . الأمالي (للصدوق)، ص ۲۷۲

۲۴ . کُحل البصر في سيره سيد البشر صَلَّي اُلله عَلَيْهِ و آلِه و سَلَّم، عباس قمي، ص ۷۰

دليل سوم

مباهات استمراري ذات اقدس الهي به حضرت أم المؤمنين خديجه كبري (سلام الله عليها) دلالت بر تجليل و تعظيم دائمي از مقام ممتاز حضرت خديجه كبري (سلام الله عليه) دارد.

مباهات استمراری ذات اقدس الهی

به حضرت أم المؤمنین خدیجه کبری (سلام الله علیها)

«یا خدیجه (علیها السَّلام)!... فانّ الله عزّ و جلّ لیباهی بک کرام ملائکته کلّ یوم مراراً»[۲۵]

«اي خديجه (عليها السَّلام)! خداوند عز و جل روزي چندين بار به عظمت تو در نزد ملائكه مقربش مباهات مي كند».

مباهات از ريشه (بهي) به معناي مفاخره به وجود و جود و حُسن شيء است و «إِنَّ اللَّهَ لَيُبَاهِي بالعبد» يعني قرار دادن شيء در محل قرب و كرامت خويش؛ و تجليل شخص و تعظيم او به سبب مقام ممتاز از مكارم و مناقبي كه آن شخص واجدش شده است.[۲۶] ذات اقدس الهي در كلام نورانيش به مباهات خويش بر حضرت أم المؤمنين حضرت خديجه كبري (سلام الله عليها) با لسان تأكيدي (ل + يباهي) تصريح مي فرمايد و در اين كلام الله عزوجل نكاتي نهفته است:

[۲۵] . بحارالأنوار، محمدباقر مجلسي، ج۱۶، ص ۷۸

[۲۶] . مجمع البحرين، ج۱، ص ۶۸؛ التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ج۹، ص ۳۸

فاعل فعل مباهات، ذات اقدس الهي است.

مخاطب اين كلام نوراني و ابلاغ اين حديث قدسي از جانب وجود ذي وجود حضرت ختم رسل، لولاك لما خلقت الافلاك، محمد مصطفي (صلي الله عليه و آله و سلم) است.

و خداوند متعال در اين حديث شريف بر حضرت أم المومنين، نزد كرام ملائكه اش (يعني ملائكه مقربش) مباهات مي ورزد.

و اين مباهات استمراري و دائمي است؛ «كلّ يوم مراراً».

جميع اين موارد قرايني است تا مخاطب را به مقام قرب حضرتشان عندالله دلالت كند. به خصوص مباهات تاكيدي و استمراري ذات اقدس الهي به آن حضرت، دلالت بر تجليل و تعظيم دائمي از مقام ممتاز ايشان مي باشد.

دليل چهارم

حضرت أم المؤمنين خديجه كبري (سلام الله عليها) در نصوص به مقرّب سابق مدح شدند؛ يعني وجود مقدس آن حضرت از ذوي القربي مي باشند و لذا مرجعيت و أمّيّت در قرب مومنين دارند.

«مقرَّب سابق»

«يَقُولُ اللَّهُ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولئِکَ الْمُقَرَّبُونَ

رسول الله (صلى الله عليه و آله) وَ خَدِيجَةً وَ على بن أبي طالب (عليه السلام) وَ ذُرِّيَّاتُهُمْ تَلْحَقُ بِهِمْ»

مقرّبين سابق پيامبر اكرم (صلي الله عليه و آله) و حضرت خديجه كبري (سلام الله عليها) و حضرت عليّ بن ابي طالب (عليه السلام) و ذراري ايشان هستند كه ملحق به ايشان مي‌شوند. نيز در جاي ديگر آمده است: «إِنَّ خَدِيجَةَ قَرَابَتُنَا».[27]

[27] . بحارالأنوار، ج۲۴، ص۶

الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۱۳۹ تا ۱۴۱

همچنين در تفسير سوره مباركه مطففين، آيه ۲۸ «عيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ» آمده است: «المقرّبون» همان «السّابقون» هستند، يعني رسول‌الله، علي بن ابي طالب، ائمه معصومين و فاطمه و خديجه (صلوات الله عليهم) و خاندان و ذريه ايشان كه آنان را با ايمانشان پيروي مي كنند.

بحارالانوار ج ۲۴، ص ۳

ذيل سوره مباركه طور، آيه ۲۱ « و الَّذينَ آمَنُوا وَ اتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمانٍ أَلْحَقْنا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ ما أَلَتْناهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْ‏ءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِما كَسَبَ رَهينٌ»، در توصيف مؤمناتي كه روز قيامت، به خاتون يوم القيامة يعني حضرت صديقه طاهره (سلام الله عليها) ملحق مي شوند، از حضرت خديجه كبري به عنوان اولين مؤمنه و مسلمه نام برده شده است.

تفسير فرات الكوفي، صفحه ۴۴۵

حضرت أم المؤمنين خديجه كبري (سلام الله عليها) در نصوص به مقرّب سابق مدح شدند. از آنجا كه بنا به مستندات وارده، قرب جز با معرفت مقرّب بدست نمي آيد، معلوم مي شود كه وجود مقدس آن حضرت، از ذوي القربي بوده و حقوق حقّة رسالت در خصوص «مودة في القربي» نيز براي آن حضرت محقق مي باشد. در حقيقت آن حضرت مرجعيت و أمّيّت در قرب مومنين دارند؛ به اين معنا كه هر مؤمني با معرفت به وجود مبارك آن حضرت، ملحق به ايشان شده و در درجات نسبي قرب قرار مي گيرد. پس دليل اخير اشارتيست به اينكه معرفت حضرتشان، موجب قرب مي شود و مؤمنين و مؤمنات به ميزان معرفتي كه به ساحت مقدس حضرت أم المؤمنين و المؤمنات (عليها السلام) تحصيل مي كنند، مقرَّبون معنون مي شوند.

نز ذيل سوره مباركه اعراف، آيه شريفه ۴۶ «وَ بَيْنَهُما حِجابٌ وَ عَلَى الْأَعْرافِ رِجالٌ يَعْرِفُونَ كُلاًّ بِسِيماهُمْ ...» آمده است: «سُورٌ بَيْنَ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ قَائِمٌ عَلَيْهِ مُحَمَّدٌ وَ عَلِيٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ فَاطِمَةُ وَ خَدِيجَةُ»؛ آن دژ بلندي كه ميان بهشت و دوزخ قرار دارد، قائم است بر حضرت محمد، علي، حسن، حسين، فاطمه و خديجه (صلوات الله عليهم اجمعين). بنابراين حضرت أم المومنين جزو متوسمين اند كه همه را در سيما مي‌شناسند. اميرالمومنين (عليه السلام) در روايتي فرمودند «نَحْنُ عَلَى الْأَعْرَافِ نَعْرِفُ أَنْصَارَنَا بِسِيمَاهُمْ و نَحْنُ الْأَعْرَافُ الَّذي لَا يُعْرَفُ اللَّهُ عَزّ وَ جَلّ إِلَّا بِسَبِيلِ معرفته وَ نَحْنُ الْأَعْرَافُ يُعَرِّفُنَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى الصِّرَاطِ فَلَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ عَرَفَنَا وَ عَرَفْنَاهُ وَ لَا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرَنَا وَ أَنْكَرْنَاهُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَوْ شَاءَ لَعَرَّفَ الْعِبَادَ نَفْسَهُ وَ لَكِنْ جَعَلَنَا أَبْوَابَهُ وَ صِرَاطَهُ وَ سَبِيلَهُ وَ الْوَجْهَ الَّذي يُؤْتَى مِنْهُ فَمَنْ عَدَلَ عَنْ وَلَايَتِنَا أَوْ فَضَّلَ عَلَيْنَا غَيْرَنَا فَإِنَّهُمْ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَاكِبُونَ فَلَا سَوَاءٌ مَنِ اعْتَصَمَ النَّاسُ بِهِ وَ لَا سَوَاءٌ حَيْثُ ذَهَبَ النَّاسُ إِلَى عُيُونٍ كَدِرَةٍ يُفْرِغُ بَعْضُهَا فِي بَعْضٍ وَ ذَهَبَ مَنْ ذَهَبَ إِلَيْنَا إِلَى عُيُونٍ صَافِيَةٍ تَجْرِي بِأَمْرِ رَبِّهَا لَا نَفَادَ لَهَا وَ لَا انْقِطَاعَ»؛ اعراف آن‌هايي هستند كه خداي متعال جز از راه معرفت آن‌ها شناخته نمي‌شود.

الكافي (ط – الإسلامية)، ج۱، ص ۱۸۴

دلیل پنجم

اختصاص مقام «سلام» به حضرت أمّ المؤمنین خدیجه غراء (سلام الله علیها) دلالت بر تخصیص مُلک عظیم الهي به حضرتشان دارد. این ملک عظیم در حقیقت همان مقام أمّیّت آن حضرت مي باشد که مؤمنین و مؤمنات با مراجعه به این مرجع و قرار گرفتن در حصن حصین مادر مي توانند در ملک عظیم الهي مستقر و متنعم شوند.



اختصاص مقام سلام به حضرت أمّ المؤمنين خديجه غراء (سلام الله عليها)

«تَقْرَأُ عَلَى خَدِيجَةَ مِنَ اللهِ وَمِنِّي السَّلَامَ»[۲۸]

اي رسول خدا! سلام خدا و سلام مرا (جبرئيل عليه السلام) به أم المؤمنين حضرت خديجه كبري (عليها السَّلام) برسان.

در مستندات بسياري از جانب ائمه أطهار (عليهم السلام) از حضرت خاتم النبيين محمد مصطفي (صلي الله عليه و آله و سلم) نقل شده كه خداوند تبارك و تعالي و امام ملائكه جناب جبرئيل امين (سلام الله عليه) بر حضرت أم المومنين خديجه كبري (عليها السلام) سلام و بشارت فرستاده اند.[۲۹] سلام از اسماء الله عزوجل مي باشد[۳۰] كه در آيات حضرت قرآن به جنّت يعني ملك عظيم الهي تعبير شده است.[۳۱]

۲۸. سفينة البحار، ج۲، ص ۵۶۷

۲۹. به عنوان نمونه مراجعه شود به: سفينة البحار، ج۲، ص ۵۶۷؛ الخرائج و الجرائح، ج۱، ص ۸۴؛ بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج۱۶، ص ۸؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج۷، ص ۳۴۹؛ كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة)، ج۱، ص ۵۰۸

۳۰. «اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَ مِنْكَ السَّلَامُ وَ لَكَ السَّلَامُ وَ إِلَيْكَ يَعُودُ السَّلَامُ».

من لا يحضره الفقيه، ج۱، ص ۳۲۲

۳۱. «لَهُمْ دارُ السَّلامِ عِنْدَ رَبِّهِم» (سوره مباركه انعام، آيه ۱۲۷)؛

پس سلام كه خود سلم و امنيت و حصن حصين الهي است، درواقع همان ملك عظيم اوست كه در آن هيچ لغو و تاثيمي وجود ندارد. ابلاغ سلام از ساحت قدس الهي به حضرت أمّ المؤمنين خديجه غراء (سلام الله عليها) دلالت بر اختصاص اين مقام و بعبارت ديگر تخصيص ملك عظيم الهي به حضرتشان دارد. اين ملك عظيم در حقيقت همان مقام أمّيّت آن حضرت مي باشد كه مؤمنين و مؤمنات با مراجعه به اين مرجع و قرار گرفتن در حصن حصين مادر مي توانند در ملك عظيم الهي مستقر و متنعم شوند.

«إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّات وَ عُيُون، ادْخُلُوها بِسَلامٍ آمِنِين» (سوره مباركه حجر، آيه ۴۶).

دارُ السَّلَامِ الْجَنَّةُ وَ أَهْلُهَا لَهُمُ السَّلَامَةُ مِنْ جَمِيعِ الْآفَاتِ وَ الْعَاهَاتِ وَ الْأَمْرَاضِ وَ الْأَسْقَامِ وَ لَهُمُ السَّلَامَةُ مِنَ الْهَرَمِ وَ الْمَوْتِ وَ تَغَيُّرِ الْأَحْوَالِ عَلَيْهِمْ وَ هُمُ الْمُكْرَمُونَ الَّذِينَ لَا يُهَانُونَ أَبَداً وَ هُمُ الْأَعِزَّاءُ الَّذِينَ لَا يَذِلُّونَ أَبَداً وَ هُمُ الْأَغْنِيَاءُ الَّذِينَ لَا يَفْتَقِرُونَ أَبَداً وَ هُمُ السُّعَدَاءُ الَّذِينَ لَا يَشْقَوْنَ أَبَداً وَ هُمُ الْفَرِحُونَ الْمُسْتَبْشِرُونَ لَّذِينَ لَا يَغْتَمُّونَ وَ لَا يَهْتَمُّونَ أَبَداً وَ هُمُ الْأَحْيَاءُ الَّذِينَ لَا يَمُوتُونَ أَبَداً فَهُمْ فِي قُصُورِ الدُّرِّ وَ الْمَرْجَانِ أَبْوَابُهَا مُشْرَعَةٌ إِلَى عَرْشِ الرَّحْمَنِ وَ الْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بابٍ. سَلامٌ عَلَيْكُمْ بِما صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّار.

معاني الأخبار، النص، ص ۱۷۶

إِنَّ السَّلَامَ هُوَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ دَارُهُ الَّتِي خَلَقَهَا لِأَوْلِيَائِهِ الْجَنَّةُ.

همان

دليل ششم

كفائت و قرانت حضرت أم المؤمنين و المؤمنات خديجه كبري (سلام الله عليها) با أب المؤمنين و المؤمنات رسول خدا (صلي الله عليه و آله و سلم) دليل ديگر بر انحصار مقام أم المؤمنين براي آن حضرت است.

کفائت و قرانت حضرت أم المؤمنين خديجه كبری (سلام الله عليها) با رسول خدا (صلی الله عليه و آله و سلم)[۳۲]

اين كفائت و قرانت در مؤداي ادله بسياري موجود است؛ مانند آنچه در فرازهايي از زيارت حضرت خديجه كبري (سلام الله عليها) آمده است: «اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكِ يٰا قَرِينَةَ حَبِيبِ اِلٰهِ السَّمٰآءِ». نيز نداي آسماني كه هنگام ازدواج آن حضرت با رسول خدا در آسمان پيچيده شد «إن الله تعالى قد زوج

۳۲ . الموسوعة الكبری عن فاطمة الزهراء (سلام الله عليها)، ج۱۸، ص ۱۳۷؛ الطبقات الكبری، ج۱، ص ۱۰۶

همچنين در منابع ديگر آمده است: «خديجة لا ترغب في واحد منهم و كان قد تولع قلبها بالنبي ... سَعِدَتْ مَنْ تُكونُ لِمحمّد قرينةً، فانّه يُزيِّنُ صاحِبَه ... قد اشتغل قلب خديجة بنت خويلد بحبّه ...»؛ حضرت خديجه (سلام الله عليها) هيچ رغبتي به هيچ كدام از خواستگارانش نداشت و قلب او تنها براي پيامبر أكرم (صلي الله عليه و آله) مي تپيد. سعادتمند كسي كه با حضرت محمد مصطفي (صلي الله عليه و آله) قرين و همراه شد چرا كه او باعث و علت زينت است. پس قلب حضرت خديجه كبري (سلام الله عليها) به محبت نسبت به حضرت محمد مصطفي (صلي الله عليه و آله) مشغول بود.

بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۲ و ۲۳

بالطاهر الطاهرة و بالصادق الصادقة» مؤيد اين مطلب است.[33] نمونه ديگر اشتراك حضرت خديجه كبري (عليها السّلام) در أصلاب شامخه و أرحام مطهره با رسول الله (صلي الله عليه و آله وسلم) مي باشد. آن حضرت همچون رسول خدا (صلوات الله عليهما) منتسب به خانداني موحد، اصيل، و اهل دانش و حكمت بودند. پس همانگونه كه رسول خدا (صلي الله عليه و آله و سلم)، پدر امت مي باشند، حضرت خديجه كبري (سلام الله عليها) مادر أمت مي باشند. چنانچه در تفسير آيه مباركه «النَّبِيُّ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ»[34] آمده است كه از جمله گناهان كبيره، عاق والدين است

[33] . همانا خداوند متعال دو طاهر و دو صادق را به ازدواج يكديگر درآورده است.

بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۷۲

وَ ذَكَرَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْحَاقَ بْنِ يَسَارٍ: أَنَّ خَدِيجَةَ بِنْتَ خُوَيْلِدٍ وَ أَبَا طَالِبٍ مَاتَا فِي عَامٍ وَاحِدٍ وَ تَتَابَعَتْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ الْمَصَائِبُ بِهَلَاكِ خَدِيجَةَ وَ أَبِي طَالِبٍ وَ كَانَتْ لَهُ وَزِيرَةَ صِدْقٍ عَلَى الْإِسْلَامِ وَ كَانَ يَسْكُنُ إِلَيْهَا.

إعلام الورى بأعلام الهدى (ط - القديمة)، النص، ص ۵۳

[34] . سوره مباركه أحزاب، آيه ۶

و والدین امت عبارتند از وجود ذي وجود حضرت رسول الله الأكرم و حضرت خديجه كبري (سلام الله عليهما)؛ «أَكْبَرُ الْكَبَائِرِ سَبْعٌ .... أَمَّا عُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ فَقَدْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ النَّبِيُّ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ أَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ فَعَقُّوا رَسُولَ اللَّهِ فِي ذُرِّيَّتِهِ وَ عَقُّوا أُمَّهُمْ خَدِيجَةَ فِي ذُرِّيَّتِهَا...».[35]

[35] . مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهرآشوب)، ج۴، ص ۲۵۲

نتیجه گیری

از بررسي ادله مذكور به دست مي آيد كه شأن «أم المؤمنين» به نحو اطلاقي اختصاص و انحصار به وجود نازنين حضرت زوجة الرسول خديجه كبري (سلام الله عليها) دارد. مآلاً اينكه همانطور كه مودّت اهل بيت عصمت و طهارت (عليهم السلام) و اداي حقوق ايشان كه عبارتست از تحصيل معرفت نوراني، بر ذمه خلق به قدر ظرف وجودي مستقر شده، معرفت به وجود مبارك آن حضرت و به ويژه معرفت به معناي «أم المؤمنين و المؤمنات» بودن آن حضرت نيز بر همگان ضروري مي باشد. هر يك از مؤمنين و مؤمنات به ميزان آن معرفتي كه به ساحت مقدس آن حضرت به دست آورند، مي توانند به درجاتي از كمال و قرب نائل شوند و در آن ملك عظيم الهي كه حصن مادر است ملجأ و مأمن يابند.

أم المؤمنين خديجة الكبرى

فهرست مطالب